

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش
«موش‌ها و آدم‌ها»

روایت آرزوی مشترک انسان‌هایی متفاوت



مریم عظیمی
گفت و گو

مهدی رضایی بعد از سالها تجربه در عرصه تئاتر و تصویر و کارگردانی آثاری مانند «عمو زنجیر باف»، «گوریل»، «قلعه» و... اقتباسی از رمان معروف جان اشتاین بک نویسنده آمریکایی که موفق به دریافت نوبل ادبی شده را روی صحنه آورده است. «موش‌ها و آدم‌ها» روایت آرزوی مشترک انسان‌هایی متفاوت در عین حال بسیار شبیه به هم را به قصه دو کارگر مزرعه پیوند می‌زند که نقطه ضعف هر یک از آنها نقطه قوت دیگری است و همین مسئله به پیوندی عمیق میان آنها منتهی شده... باز یگرانی مثل علی باقری، میلاد فرج‌زاده، حمید رشید، برنا انصاری، نگار سلحشور و... کادر اصلی بازیگران آن را تشکیل می‌دهند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

مهدی رضایی، کارگردان:

نمایش از لحاظ دراماتیک منطبق بر متن است

چه شد که این اثر را انتخاب کردید؟

از زمان دبیرستان آرزو داشتم که این متن را اجرا کنم حتی در همان دوران مدرسه خواستم با تغییر کاراکتر دختر، دوره تاریخی و جغرافیای اثر را در مدرسه اجرا کنم که یکی از معلم با اشاره به سنگین بودن متن مانع شد، می‌خواهم بگویم که علقه بسیار زیادی به این متن دارم و از همان زمان نوجوانی که تئاتر کار می‌کردم دوست داشتم روزی این متن را اجرا کنم. اما زمانی که حرفه‌ای‌تر وارد عرصه تئاتر شدم دیدم که اجرای این اثر بسیار سخت است باز هم باید صبر کنم بنابراین پس از تجربه کارگردانی حدود ۱۰ اثر و پیدا کردن بازیگرهایی که مناسب این نمایش باشند با خود گفتم که دیگر زمانش رسیده است به خصوص که تاکنون در ایران تنها یک تله تئاتر از این رمان اجرا شده است و همین امر نیز کار روی این متن را چالش برانگیزتر می‌کرد.

لطفاً کمی در مورد شاخصه‌های این متن و اهمیتش بگویید.

جان اشتاین بک می‌گوید می‌خواهم رمانی بنویسم که شبیه نمایشنامه باشد یا نمایشنامه‌ای بنویسم که شبیه رمان باشد همین مسئله باعث شده به عنوان یک اثر ادبی شاخص به این رمان توجه شود. در واقع این حالت بینارشته‌ای سبب جذابیت بیشتر آن شده

است. علاوه بر این به خاطر تم‌های اثر، مثل تنهایی، رنج بشر و مسئله نژادپرستی که هیچ وقت قدیمی نمی‌شوند نیز مورد توجه است. قصه اثر نیز بسیار انسانی است و بر مضامینی مثل رفاقت تاکید می‌کند قصه‌ای که هیچ وقت قدیمی نمی‌شود و کاراکترهایی که هر کدام نماد طبقه و گروهی از مردمان یک جامعه هستند، ویژگی‌های خاص خود و شخصیت پردازی متنوعی دارند و به نظرم همه این‌ها باعث شده این اثر جایزه نوبل را بگیرد و تبدیل به اثر ماندگاری شود که هر ساله اجرایی از آن در آمریکا به روی صحنه می‌رود.

آیا نمایش شما کاملاً وفادار به متن است؟

این نمایش از لحاظ دراماتیک کاملاً منطبق بر اتفاقات متن است. من ترجمه‌های مختلف متن را خواندم اما تصمیم گرفتم کمی زیان‌ش را به روز و خلاص‌ترش کنم چون اگر همان متن را کامل اجرا می‌کردیم چیزی حدود بیش از دو ساعت طول می‌کشید بنابراین من فقط کمی چکیده و خلاص‌ترش کردم و تمام اتفاقات اجرا همان اتفاقاتی است که در رمان وجود دارد.

در بخش‌های مختلف اجرا مانند لباس، گریم، دکور و... به تمام جزئیاتی که برای فضا سازی لازم است توجه شده که در راستای باورپذیری فضای اثر به کمک بازیگر آمده اما این دکور و جزئیات در اغلب آثار بخشی از یک چالش جدید می‌شود.

خب ما خیلی دوست داشتیم که این بار رئالیستی شکل بگیرد و تماشاگر باور کند که به دهه سی آمریکا رفته و در یک مزرعه است و این باور برای ما خیلی مهم بود. معمولاً تئاترهای خارجی به نوعی بازی می‌شوند که شخصاً نمی‌پسندم یعنی معمولاً حالت تله تئاتر و بیان اغراق شده‌ای دارند اما من خیلی دوست داشتم که بیان بازیگرها ناتورالیستی باشد به همین علت بود که اساساً متن را خودم دوباره نوشتم تا وقتی تماشاگر با اثر روبرو می‌شود به درون دنیای اثر کشیده شود و در همین راستا تلاش کردیم در دکور، طراحی لباس، صحنه و گریم نیز جزئیات رئالیستی را رعایت کنیم. خوشبختانه سالن حافظ هم همکاری خیلی خوبی با ما داشت و خدا را شکر شرایط اجرایی مان تا این لحظه مناسب بوده البته واقعاً شرایط چند اجرایی بودن سالن‌ها و مسئله دپوی دکور چالش زیادی ایجاد می‌کند به همین علت بسیاری از گروه‌ها به این سمت نمی‌روند به خصوص که هزینه بردار هست برای ما اما با اینکه سالن حافظ بابت دکور همکاری خوبی داشت، مسئله

هزینه بحث اصلی بود وقتی چنین اثر پر هزینه‌ای را تولید می‌کنید در بهترین حالت و حتی اگر تمام شب‌های اجرا سولدات باشد شاید به زحمت فقط هزینه خود اجرا تامین شود در واقع یک دور اجرایی ۳۰ روزه به هیچ عنوان هزینه‌های کار را پوشش نمی‌دهد و حتماً باید دوباره اثر به اجرا برود که فکر می‌کنم برای ما نیز همینگونه شود. در هر صورت ما ریسک این هزینه بالا را به جان خریدیم چرا که اساساً این کار بدون این دکور ممکن نبود و از همان ابتدا می‌دانستیم که این اثر نیاز به یک دکور سنگین دارد خوشبختانه تهیه کننده کارمان آقای مهدی کلانتری بدون منت پشت کار ایستادند تا توانستیم این کار را انجام بدهیم.

کمی در مورد نقش «کندی» که خودتان ایفا می‌کنید و انتخاب بازیگر نقش «لنی» که ابعاد روانشناختی دارد بگویید.

پروسه تمرین ما حدوداً ۳ سال طول کشید چون هم متن سخت بود و هم انتخاب بازیگرش و مبحث سالن اجرا و پیدا کردن تهیه کننده سبب شد که روند تولید اثر طولانی شود. در ابتدای امر خودم مایل نبودم که این نقش را بازی کنم اما در چند ماه پایانی تمرینات بازیگر نقش کندی به خاطر شرایط کاری‌اش از گروه جدا شد و چون زمان کمی تا اجرا مانده بود و کسی بیشتر از خودم واقف به اثر و نقش نبود مجبور شدم نقش را بر عهده بگیرم. اما از همان ابتدا که به فکر اجرای این اثر افتادم تصمیم بر این بود که پیش از پیدا کردن بازیگر نقش «لنی اسمال» کار را آغاز نکنم. من سال هاست که میلاد فرج‌زاده را می‌شناسم و سر پروژه‌ای به نام «هالووین» همبازی شدیم. وقتی در پشت صحنه کار به او دقت می‌کردم مطمئن شدم که او همان لنی اسمال این نمایش است وقتی هم به ایشان پیشنهاد کردم به گروه پیوستند. میلاد فرج‌زاده بازیگر خیلی خوب و تکنیکالی است و خوشبختانه با کمک هم و صحبت‌هایی که در مورد نقش داشتیم این کاراکتر شکل گرفت البته بار بزرگ ساخت این کاراکتر بر دوش خودش بود.

آیا این بیشتر اهمیت و جذابیت متن بود که توانست گروه را در این پروژه سه ساله حفظ کند؟

بله هم متن تاثیرگذار است و هم گروه، اینکه اعضای گروه یک دل و هم انرژی باشند بسیار مهم است و من همیشه سعی می‌کنم فارغ از مسائل تکنیکال آکپی را جمع کنم که فضایی دوستانه بینمان شکل